

برنامه‌ریزی خودسازی برای کارآفرینان

هدفهای رفتاری: در پایان این فصل از فراگیر انتظار می‌رود که:

- ۱- ضرورت برنامه‌ریزی خودسازی را شرح دهد.
- ۲- برای بهبود صفات و ویژگیهای خود برنامه تهیه کند.
- ۳- اهمیت اراده در خودسازی را بیان کند.
- ۴- لزوم برنامه‌ریزی برای تحمل مشکلات را شرح دهد.
- ۵- یک برنامه تحقیقی برای تعیین عیوب کار تهیه کند.
- ۶- تأثیر دید منفی را به‌عنوان عامل بازدارنده برای خودسازی شرح دهد.
- ۷- ترس را دشمن کارآفرینان معرفی کند.
- ۸- توکل به خداوند و تأثیر تلاش و امید را در موفقیت کارآفرینان شرح دهد.
- ۹- کارآفرینان موفق را معرفی کند.
- ۱۰- برای سعادت زندگی خود یک برنامه‌ریزی جدی را تهیه کند.
- ۱۱- به ضرورت برنامه خودسازی معتقد شود.
- ۱۲- تغییر در رفتار را یک امر شدنی بداند و اراده آن در او بوجود آید.
- ۱۳- با برنامه‌ریزی خود را برای تحمل مشکلات آماده نماید.
- ۱۴- معتقد شود که می‌تواند عیوب کار خود را با یک برنامه تحقیقی پیدا کرده و باید برای اصلاح آن برنامه‌ریزی داشته باشد.
- ۱۵- دید منفی را عامل بازدارنده‌ای برای خودسازی بداند.
- ۱۶- با توکل به خداوند هر کاری را ممکن دانسته و تلاش و امید را عامل موفقیت بداند.
- ۱۷- مصمم شود با کارآفرینان موفق آشنا شده و از زندگی آنها درس بگیرد.
- ۱۸- برای سعادت و زندگی خود یک برنامه‌ریزی جدی را پی‌ریزی کند.

برنامه‌ریزی خودسازی

پس از سپری شدن دوران کودکی و نوجوانی با فرا رسیدن سن بلوغ و تکلیف، هر فرد در ساختن شخصیت خود بیشترین نقش را دارد. در اسلام خودسازی به‌عنوان جهاد اکبر (بزرگترین جهاد) از امور بسیار مهمی است که هر فرد موظف است به آن توجه داشته باشد تا بتواند در راه خدا گام بردارد و تا حد توان در جهت عزت خود، خانواده، اقتدار و اعتلای جامعه تلاش و مجاهده نماید. خودسازی در قالب تقویت توان جسمی، علمی، روحی و ایمانی انجام می‌پذیرد. هرچه فرد در این زمینه‌ها موفق‌تر باشد کارایی او بیشتر خواهد بود. کسی که در اثر خودسازی بتواند خود را همیشه در محضر خداوند احساس کند همواره سعی خواهد داشت از هوای نفس دوری جسته، در راه خدا قدم بردارد. بی‌شک چنین شخصی تلاش خواهد نمود تا کار مفید و شرافتمندانه‌ای را در جامعه برای خود انتخاب نماید. در این صورت او هر کاری که انجام بدهد رنگ الهی دارد و از نظر اسلام عبادت تلقی می‌گردد حتی خواب او هم عبادت به حساب می‌آید. کارآفرینان خودساخته‌ای که برای عزت و سربلندی خود و کشور در زمینه‌های اقتصادی تلاش برثمری دارند بی‌شک نزد خداوند از پاداش بالایی برخوردار می‌باشند.

شما که تصمیم جدی دارید برای زندگی خود شغل شرافتمندانه با اهداف مشخصی را دنبال کنید شغلی را انتخاب کنید که با روحیه و علائق شما سازگاری داشته باشد. برای انجام هر کار احتیاج به خودسازی و آمادگی نسبی است. برای این منظور لازم است ابتدا استعدادهای خود را بشناسید زیرا توان و قدرت شما به ویژگیهای شما بستگی دارد.

دقت کنید نوع و اندازه واحد تولیدی و یا خدماتی که برای خود انتخاب می‌کنید با توان مالی و تخصصی شما سنخیت داشته باشد. برای ارزیابی بهتر خود می‌توانید به نمره کلی فهرست صفات و خصوصیات که برای خود بدست آورده‌اید توجه کنید و برای آن دسته از صفات و خصوصیات خود که فکر می‌کنید برای شروع و اداره یک واحد تولیدی از اهمیت زیادی برخوردارند ارزیابی مجدد کنید و برای بهبود هر یک برنامه‌ای را تنظیم نمایید. توجه داشته باشید که غالب ویژگیهای شما قابل پرورش و توسعه می‌باشند.

برای پرورش نقاط قوت و کاستن نقاط ضعف خود ابتدا سعی کنید آنچنان که هستید خود را شناخته و آن‌گونه که هستید خود را بپذیرید. سپس برای هر یک از ویژگیها هدف مشخص و قابل حصولی را در نظر بگیرید زیرا هدف‌شناسی، خود یک هنر است. اهدافی را برای خود انتخاب کنید که برایتان بیشتر اهمیت دارد و بخوبی بتوانید با امکانات در دسترس از عهده آن برآید.

یکی از خصوصیات فرد کارآفرین در عین اعتقاد و احترام به آرمانها و ارزشها، واقع‌نگری است. آرمانها و اهداف ایده‌آل غیر قابل دسترس برای کارآفرینان مطلوب نیست و حتی نتیجه قابل قبول،

بهتر از نتیجه بی‌عیب و نقص است. اگر کسی بخواهد هدفی را با نتیجه کامل و عاری از نقص بدست آورد ممکن است هرگز به آن نرسد و تنها خود را از رشد و تکامل بازدارد و وقت خود را از دست بدهد. بعضی از اهداف ممکن است برای عده‌ای قابل حصول و برای عده دیگر غیرقابل حصول باشد زیرا انگیزه‌ها و توانمندیها متفاوت است. هیچ دو نفری مانند یکدیگر نیستند. افراد با تجربه‌ها و انگیزه‌های متفاوتی که دارند در موقعیتهای مختلف زندگی بسر می‌برند که در نتیجه اهداف متفاوتی را دنبال می‌نمایند. یک دانش‌آموز برای اینکه کارآفرین موفق بشود بهتر است از هم‌اکنون افراد کارآفرینی را که خصوصیات مشترکی با او دارند در نظر گرفته، رفتار و عملکرد خوب آنها را برای خود سرمشق قرار دهد. تأکید می‌شود هنگام برنامه‌ریزی برای خودسازی ابتدا سعی کنید ویژگیهای خود را تا حد ممکن شناخته، نقاط قوت و ضعف خود را تعیین کنید. سپس اموری را که خود می‌توانید تغییر دهید و مواردی که دستیابی به آن برای شما در حال حاضر امکان‌پذیر نمی‌باشد به‌طور واقع‌بینانه مشخص نمایید. تجربیات و وضعیت گذشته نیز می‌تواند برای درک وضع موجود کمک خوبی برای شما باشد. هر کارآفرین برای خود اهداف و انتظارات روشنی دارد. هرچه عناوین مندرج در فهرست صفات و خصوصیات کارآفرینی برای شما مشخص‌تر باشد امکان دسترسی به آن برای شما راحت‌تر می‌شود و با تقریب قابل قبولی می‌توانید نوع و اندازه واحد تولید و یا خدماتی، در یکی از زمینه‌های صنعت، کشاورزی، هنر و... را برای خود مشخص نمایید.

برای اینکه بهتر بتوانید به ابعاد و خصوصیات و ویژگیهای خود پی ببرید و ابعاد وسیع توانمندیهای خود را بهتر درک کنید از بین عناوین مندرج در جدول فهرست صفات و خصوصیات کارآفرینان با توجه به فرصت و توان خود چندین عنوان را که برای شما از اولویت بیشتری برخوردار است مطابق جدول نمونه برنامه‌ریزی، برای خودسازی فهرست نمایید. در ضمن می‌توانید هر عنوان را به چند عنوان فرعی مستقل تقسیم‌بندی نموده، یا عناوین دیگری هم که احیاناً در فهرست صفات و خصوصیات کارآفرینان نیامده است به فهرست خود اضافه نمایید.

توصیه می‌شود هر چند مدت یک‌بار در مورد خود بررسی مجدد کنید و از طرق مختلف وضعیت نرم‌خوبی، توان طراحی، اراده، تصمیم‌گیری، واقع‌بینی، آینده‌نگری، خطرپذیری، توان قیمت‌گذاری محصول و سایر هدفهایی که برای خود تعیین می‌کنید برحسب اولویت آنها تنظیم نمایید. اهداف و نتایج مورد نظرتان باید معنی‌دار و قابل اندازه‌گیری باشد. اهداف باید به‌گونه‌ای مشخص و تنظیم گردد که در شما و همکارانتان انگیزه ایجاد کند زیرا داشتن انگیزه برای انجام کارها آموزش را بهتر و سریع‌تر پیش می‌برد و بر عمق آن می‌افزاید. چنین آموزشی راحت‌تر هم به عمل می‌انجامد.

جدول نمونه برنامه‌ریزی برای خودسازی (شش ماهه)

ردیف	عنوان صفات و خصوصیات کار آفرینی که برای شما مهمتر است	شماره در جدول	امتیاز در وضع موجود	امتیاز تعیین شده برای خودسازی	طرح اجرایی
۱	انگیزه از نظر فلسفی و اعتقادی	۲	۱	۴	برنامه زمانی : ۱/۵ ساعت بعد از نماز صبح و مراجعت از مسجد در روزهای زوج برنامه مطالعه : ۱- قرآن، نهج البلاغه و کتب مذهبی که در خودسازی مؤثرند. ۲- کتاب پیروزی فکر، تألیف ماردن، ترجمه رضا سیدحسینی ۳- کتاب راز شاد زیستن، تألیف اندره میترس، ترجمه وحید افضل‌راد ۴- کتاب ژانپها دارند می‌آیند، تألیف روت‌تنه دیکت، ترجمه حسین افشین منش ۵- کتاب گوهر وقت، تألیف سیدحسین مطلبی ۶- کتاب دیکتاتوری کارت‌ها، ترجمه دکتر همایون الهی ۷- کتاب نه برای لقمه نان، تألیف کونوسوکی مانسوشیتا، ترجمه دکتر محمدعلی طوسی ۸- کتاب الهی‌نامه تألیف استاد حسن‌زاده آملی و سایر کتب معرفی شده از افراد صاحب نظر
۲	تخصص و دانش فنی در زمینه کسب و کار مورد نظر	۱۹	۲	۳	زمان : بستگی به زمان ارائه آنها دارد حتی الامکان بعد از ظهر ۱- شرکت در دوره‌های آموزشی ۲- مطالعه آزاد در رشته مورد نظر با راهنمایی افراد صاحب نظر ۳- بازدید از کارگاهها و مراکز تولیدی و خدماتی مورد علاقه برای مشاهده و بررسی امور مورد نظر
۳	اطلاعات لازم برای امور حسابداری امور مالی، خرید، فروش و ...	۱۷	۱	۳	برنامه زمانی : ۱/۵ ساعت بعد از نماز صبح و مراجعه از مسجد در روزهای فرد (بعد از مطالعه قرآن) برنامه مطالعه : ۱- مطالعه کتب معرفی شده از طرف افراد صاحب نظر نظیر مدرسان، صاحبان صنایع در زمینه‌های مورد علاقه ۲- حتی الامکان بازدید از امور حسابداری و امور مالی با وقت قبلی و اجازه واحدهای تولیدی و یا خدماتی
۴	سلامتی جسمی و روحی	۳۴ ۳۵ ۷۵	۵	۸	۱- ورزش بعد از مطالعه صبحگاهی به مدت حداقل ۲۰ دقیقه، تمرین نفس کشیدن با اراده در هر روز و تلاش برای افزایش مدت آن ۲- تنظیم برنامه‌های هفتگی، ماهانه و سالانه برای تفریح و گردش ۳- کنترل برنامه‌های غذایی
۵	ایجاد عادات پسندیده		۳	۵	برنامه‌ریزی برای : ۱- مطالعه ۲- ورزش ۳- تفریح ۴- مسجد ۵- نماز شب ۶- سحرخیزی ۷- کنترل خشم ۸- تمرین جهت نگرش مثبت نسبت به مسائل. ۹- ...

اهمیت اراده در خودسازی

همیشه این را بدانید که تغییر هرگز به آسانی میسر نمی‌شود بخصوص اگر بعضی از خصوصیات، ریشه عمیق تربیتی داشته باشد لکن تغییر در رفتار یک امر شدنی است. این مهمترین باوری است که یک کارآفرین باید به آن اعتقاد و ایمان داشته باشد. در بعضی از خانواده‌ها ممکن است عادات و رسوم بدی وجود داشته باشد مانند حسادت، زودرنج بودن، نامرتب بودن، خرافی بودن، از خواب دیر بلند شدن و امثال اینها که تغییر رفتار در این زمینه به آسانی صورت نمی‌گیرد، از پدر و مادری با ویژگیهای زرنگی، محبت و نجابت عموماً فرزندان زرنک، با محبت و نجیب پرورش می‌یابند و از والدینی که تمام زندگی آنها با تن‌پروری، تنبلی، ریاکاری و سوءاستفاده از دیگران گذشته است معمولاً فرزندان با همین خصلتهای اخلاقی بوجود می‌آیند.

شما هر تربیتی که داشته باشید چون جوان هستید و فرصت دارید اگر مصمم شوید می‌توانید به آنچه که می‌خواهید دست یابید فقط تصمیم می‌خواهد و کسی موفق است که بتواند تصمیم بگیرد. مسلم بدانید که هر تغییر با مقاومت روبرو خواهد شد. اگر دست خود را در هوا هم تکان بدهید با نیروی مقاومت هوا روبرو می‌شوید. وقتی مقاومتی احساس نمی‌کنید که دست شما ساکن باشد، این نظام خلقت است. به عبارت دیگر تغییر نتیجه پیروزی بر مقاومت است. مقاومتها ممکن است جسمی و فیزیکی و یا آنکه روحی و روانی باشند. تکامل انسان با تغییر انجام می‌شود و میزان تغییر به میزان عزم و اراده بستگی دارد. پس تصمیم‌گیری برای هر تغییر، برنامه خاص خود را می‌طلبد. به‌طور مثال اگر می‌خواهید از این پس قبل از اذان صبح بیدار شده و پس از نماز شب به مسجد بروید و یا ماهی پنج هزار تومان کمتر خرج کرده و به مصرف امور خیریه و یا هر کار دیگر برسانید به همین سادگی نیست هر کدام برنامه می‌خواهد. نیروی اراده می‌تواند فکر را تحت فرمان و تسلط خود قرار دهد. برای اینکه بتوانید فکرتان را به راهی که می‌خواهید متوجه سازید فقط کمی تمرین لازم است. توجهی که توأم با اراده و از روی عقل و منطق باشد می‌تواند روح و فکر را تحت نظام معینی به درجات عالی و به مرحله بالایی برساند. آنگاه احساسات نامناسب و افکار ناشایست به بیرون از شعور رانده می‌شوند و کمال نسبی جای آنها را می‌گیرد. این موفقیت نتیجه نظم و ترتیب است.

راهی که باید در پیش گرفت این است که انسان آنچه را که می‌خواهد باید با حرارت و اشتیاق بخواهد. بدون هیچگونه خیالپردازی غیرمعقولانه، بتواند آن را در ذهن خود آشکار و واضح مجسم سازد. در صورتی که رسیدن به هدف منع عقلی نداشته باشد همه وجود خود را روی خواش الهی خود متمرکز نماید. هر عمل انسانی و از هر چیز مفیدی که می‌تواند او را در رسیدن به هدف

کمک کند استفاده نماید.

اگر هر شخص چنین اراده کند خواهد دید که موانع یک به یک از پیش پایش برداشته خواهد شد و کارهایی که ابتدا دست نیافتنی جلوه می کرد آسان به نظر خواهد رسید. لکن رمز کار در این است که هدف پیوسته در مقابل چشم شما مجسم باشد و فرصتی به ضعف اراده داده نشود. شاید بتوان گفت مهمترین توصیه آن است که پس از مشورتهای لازم در خلوت و سکوت فکر کرده، تصمیم بگیرید و بعد با اتکال به خداوند این تصمیم را با تمام قدرتی که دارید به اجرا درآورید.

همچنین باید توجه داشته باشید که در راه رسیدن به هدف اصلی نتایج و تجارب جانبی زیادی عاید شما می شود زیرا با مسایل زیاد دیگری خواه ناخواه برخورد می کنید که نتیجه آن یاد گرفتن، رشد کردن در خلال این راه است که این خود یک اصلی است که به آن اصل نتایج مازاد بر هدف گفته می شود و افرادی که در زندگی کمتر تلاش می کنند از این امر هم بهره کمتری خواهند برد.

هر کسب و یا کار تازه ای که شروع می کنید به تجربیاتی دست می یابید که هرگز انتظار دستیابی به آن را از قبل نداشته اید که خود باعث تغییر در رفتار و اندیشه می شود. در راه رسیدن به هر هدف می توانید به شهامت و اراده قوی تری دست یابید و بر قدرت تحمل خود در برابر واقعیات بیفزایید. انضباط فردی را جدی بگیرید و برای افزایش توان و طاقت خود اعم از جسمی و روحی برنامه ریزی داشته باشید. سعی کنید اعتماد به نفس را در خود بیشتر کنید. در این راه ممکن است به تمام اهداف خود نرسید لکن آنچه که به دست می آورید بسیار مهم است.

خودسازی برای تحمل مشکلات

به عنوان کارآفرین هنگام برنامه ریزی برای رسیدن به یک هدف لازم است نحوه عملکرد هر چیزی را در عالم خلقت به خاطر بسپارید. طبق قوانین فیزیکی هیچ چیز در یک مسیر بدون اصطکاک و مشکل حرکت نمی کند و ممکن است شما هم به پیچ و خمهایی برخورد نمایید که بعضاً به سمت عقب چرخش داشته باشید اگر هدف را گم نکنید و به سمت هدف مسیر خود را اصلاح کنید حرکت شما در این راه هرچه باشد پیشرفت تلقی می گردد.

یک درخت را به عنوان یک موجود زنده در عالم خلقت در نظر بگیرید. از وقت رویش ممکن است با خطرات و تهدیدهای زیادی روبرو گردد. همچنین هر ساله در فصل پاییز برگهای خود را از دست می دهد لکن هر دفعه به جبران برگهای از دست داده، برگهای بیشتری بدست می آورد و نتیجه نهایی آن است که درخت در هر سال پس از ریزش برگها در پاییز، در بهار سال بعد با طراوت تر و

بعضی افراد مدام از اشکالات مادی و ناتوانیهای خود حرف می‌زنند. فرض کنید جوانی که دارای استعدادهای زیادی است مالک یک واحد تولیدی می‌باشد لکن عادت بسیار بدی دارد غالباً در مورد خرابی کار خویش صحبت می‌کند. در جواب کسانی که از وضع کارش از او سؤال می‌کنند اظهار می‌دارد: وضع خیلی بد است؛ همیشه ضرر می‌کنم؛ حتی از عهدهٔ مخارج روزانه‌ام هم برنمی‌آیم؛ از سرمایه اولیه‌ام خرج می‌کنم؛ اگر مشتری پیدا کنم محل کارم را می‌فروشم؛ من در انتخاب شغل اشتباه کردم؛ بهتر بود به کار دیگری دست می‌زدم؛ و چیزهایی از این قبیل. حتی اگر سود زیادی هم داشته باشد باز به علت عادت بد خویش، به بدگویی از وضع خود ادامه می‌دهد.

این شخص علاوه بر اینکه به اعتبار خود لطمه می‌زند به اطرافیان خود هم بی‌جراتی و ترس را تلقین می‌کند. مانع آن می‌شود که دیگران هم شانس خود را در زمینهٔ کار او آزمایش کنند. این یک انتحار معنوی است. او با دست خود استعداد ترقی را در خود می‌کشد. اگر واقعاً در کار او اشکال جدی وجود دارد و به این باور رسیده است که باید کار خود را عوض کند، با اعتماد به نفس و به‌طور اصولی می‌تواند نسبت به تغییر شغل خود اقدام نماید. در غیر این صورت با رفتار خود زیردستان او هم اعتماد خود را نسبت به کاری که می‌کنند از دست می‌دهند. اصولاً افراد دوست ندارند زیر دست شخص بدبین و منفی‌باف کار کنند. دوست دارند در محیطی آکنده از نشاط و خوشبینی کار کرده، استعدادهای خود را بروز دهند. کسانی که عادت دارند در هر موردی خود را کوچک کرده، با ضعف و ناتوانی اظهارنظر کنند کم‌کم اعتبار خود را در میان مشتریان و همکاران از دست داده، باعث رکود کسب و کار خود می‌شوند. همانگونه که کبر و خود بزرگی بینی در اسلام مذمت شده است جبن و خودکم‌بینی هم از صفات ناپسند شمرده می‌شود. اصولاً بدبینان و منفی‌بافان، هر محیط پرنشاطی را غم‌انگیز می‌کنند لکن هیچ دارویی مؤثرتر از ترک ناله و شکایت و توسل به خوشرویی و نشاط نیست. شخص با نشاط در کارهای خویش غالباً موفق می‌شود زیرا همه دوست دارند که با مردمان بانشاط رابطه دوستی برقرار کنند. شخص اهل دعوا، مرافعه، تندخو و بد رفتار هر قدر هم در کارهای خویش ماهر باشد همه از او فرار می‌کنند. خداوند فطرت انسان را طوری خلق کرده است که دوست دارد با افراد خوش خلق رابطه برقرار کرده، از افراد بدخلق و بداخم و عبوس، دوری جوید. یکی از صفات برجسته حضرت محمد (ص) خوش خلقی ایشان بوده است و از این نظر است که عموماً افراد موفق، افراد خوش‌برخورد و خوش‌خلق هستند.

با نقایص دیگران فکر خود را خسته نکنید با هر کس که ملاقات می‌کنید فقط جنبه‌های خوب و قوی او را ببینید. از عادات و اخلاق خوب دیگران با احترام استقبال کنید و سعی کنید از عادات خوب

آنها تقلید کنید. در این صورت عیوب و نقایص شما مانند برگ زرد درختان پائیزی بر زمین خواهد ریخت. پشت سر کسی بدگویی نکنید در این صورت است که هر کس دوست دارد با شما ارتباط برقرار نموده، روابط نزدیک و دوستانه‌ای را با شما داشته باشد. روتق کار شما در گرو خوش رفتاری شما است.

ترس، دشمن کارآفرین‌ها

کشنده‌ترین نیرویی که شور و شوق و امید به زندگی را از بین می‌برد ترس است. ترس برخلاف شجاعت، سجایای اخلاقی را ضعیف می‌کند؛ پشتکار و مقاومت را درهم می‌شکند؛ سبب بیماریهای روانی و جسمی فراوانی می‌شود. ترس مانع موفقیت در کارها شده، زندگی را تلخ می‌کند. ترس انسان را از نظر روحی ضعیف می‌کند، دشمن سعادت در دوران جوانی و رفیق وحشت‌آور در روزگار پیری است. نشاط و خوشحالی از آدم ترسو فرار می‌کند. شادی با ترس هیچگاه یکجا جمع نمی‌شود. در عوض شجاعت و بی‌باکی هر غیرممکنی را ممکن می‌سازد. شور و نشاط را به ارمغان می‌آورد. یکی از عوامل بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در انقلاب اسلامی ایران ریختن ترس مردم بود. در صحنه‌های نبرد، شجاعت و بی‌باکی توأم با تدبیر حرف اول را می‌زند. در میدان کسب و کار هم شجاعت توأم با دوراندیشی و تدبیر رمز موفقیت کارآفرین‌هاست.

برای مبارزه با ترس، تسلط بر نفس لازم است. دستیابی به روشهای تسلط بر نفس عالیترین روش زندگی است اگر در آغاز هم مایل به انجام آن نباشید با عزمی راسخ خود را مجبور و مکلف کنید. تا زمانی که به خصایص اخلاقی منفی مسلط نشوید نمی‌توانید در کارهایتان موفق شوید. کسی که بنده احساسات خود باشد شخص آزاده‌ای نیست. شخص آزاده کسی است که به‌رغم همه دلهره‌ها و دغدغه‌های فکری با توکل به خداوند می‌تواند بر نفس خود مسلط گردد. ظالمان و ستمکاران باید از خداوند بترسند. خداوند برای مؤمن، خدای ترسناک نیست خدای رؤف و مهربان است. خداوند، بندگان مؤمن خود را دوست دارد. خداوند کسانی را که به کسب حلال می‌پردازند دوست دارد. خداوند افراد ترسو را دوست ندارد زیرا کسی که به خداوند ایمان داشته باشد ترس در دل او جایی ندارد.

امید، عامل موفقیت کارآفرین‌ها

اگر شما با توکل به خداوند، به خود بگویید: من موفق می‌شوم؛ با تمام امکاناتی که دارم این کار را انجام می‌دهم؛ هرچه وقت لازم باشد صرف این کار می‌کنم؛ تا آنجا که کشش داشته باشم یاد می‌گیرم؛ هر قدر که لازم باشد در حد توان، خود را تغییر می‌دهم؛ در این

صورت موفقیت شما حتمی است زیرا هر کس نتیجه سعی خود را می بیند.^۱
 معروف است خانم هلن کلر به رغم نابینایی و ناشنوایی به جای اینکه منتظر کمک و ترحم دیگران شود زندگی خود را وقف انسانهای بدتر از خود نمود. دموستنس با وجود لکنت زبانی که داشت آنقدر تلاش کرد تا سخنور برجسته در یونان باستان و حتی همه اعصار شد.
 در اسلام ناامیدی در حد شرک و کفر مذمت شده است. امید و توکل به خداوند از صفات برجسته یک مؤمن به حساب می آید.

به هر حال مهم نیست که از کجا و از چه سطحی شروع می کنید مهم آن است که چگونه آغاز می کنید و می خواهید به کجا برسید. بسیاری از معلولین و جانبازان انقلاب که با نداشتن چشم، دست، پا یا حتی با قطع نخاع چون کوهی استوار با تکیه بر ایمان الهی خود کارهای هنری اعجاب انگیزی را انجام می دهند و کم نیستند از آنها که بر سکوی قهرمانی جهان در میدانهای ورزشی ایستاده اند. همچنین داستانهای تلخ و شیرین، تدابیر و استقامتهای آزادگان ایرانی در زندانهای مخوف صدام حسین و انجام کارهای محیرالعقول که انجام هر کار غیرممکنی را ممکن می شمردند برای کارآفرینان می تواند بسیار آموزنده باشد.

توکل به خدا، عامل اصلی در موفقیت کارآفرین ها

برای خودسازی لازم نیست در ابتدا با کلیه احساسات و ویژگیهای منفی خود به مبارزه بپردازید. ابتدا نور ایمان به خداوند را در خود با اهمیت دادن به نمازهای واجب و مستحب تقویت نمایید. سپس مبارزه بی امانی را با عناصر خطرناک و دشمن خود یعنی ترس، خشم و بدبینی شروع کنید. اغلب احساسات بد و مضر شما فرزندان این شیاطین پلید هستند. در برابر این دشمنان بزرگ جبهه محکم و مقاومی را تشکیل دهید و قهرمانانه بر آنها حمله کنید. مطمئن باشید که اگر فرار کنند فرزندان خود را همراه خود خواهند برد. وقتی این شیاطین از درون شما بیرون رفتند دیگر بازگشتی نخواهند داشت. در این صورت است که اعتماد به نفس بدست می آید و نشاط و خوشحالی زایدالوصفی به شما روی خواهد آورد. مطمئن باشید خداوند خود، راهها را به شما نشان خواهد داد.^۲ و با تکیه بر ایمان خود به سعادت و ترقی دلخواهتان خواهید رسید.

۱- أَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى. سوره نجم، آیه ۳۹

۲- وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا. سوره عنکبوت، آیه ۶۹

تکبر و غرور را از خود دور کنید و اجازه ندهید که حرص، حسد، خشم و احساساتی نظیر آن از درونتان به بیرون سرایت کند و همیشه آماده توبه باشید و رابطه خود را با خدا قطع نکنید. یک کارآفرین که دارای مغز متفکر، ایمان و اعتماد نامحدودی به خداوند بزرگ است مسلماً پیشه موفقیت‌آمیز و پرسودی را خواهد داشت.

بی‌اعتمادی، تردید و عدم توازن فکری سد بزرگی را در مقابل موفقیت بوجود می‌آورند. باید در ریشه حقایق و عالم خلقت با چنان تعمقی نفوذ کنید که شما را بکلی از بی‌قراری و بی‌تصمیمی نجات بخشد، باید با ایمان تزلزل‌ناپذیری باور کنید که شما یک بنده مخلص خداوند که خالق و اداره‌کننده موجودات است می‌باشید.

اگر باور داشته باشید که هیچ نیرویی نمی‌تواند رشته محبت و ارتباط شما را با خداوند پاره کند اطمینان و اعتقاد زیادی نسبت به خود بدست خواهید آورد.

در اثر این اطمینان (توکل) ترس شما بکلی زایل می‌شود. بی‌قراری و اضطراب دست از گریباتان برای همیشه برخواهد داشت. تمام فعالیت‌های شما با نظم و ترتیب ادامه پیدا کرده، گسترش هم خواهد یافت. اگر معتقد شوید که هیچ نیرویی نمی‌تواند شما را از نیروی فطری و مادرزادی محروم کند و هیچ عاملی قادر نیست شما را از رفتن به سوی کمال بازدارد، هر قدمی که برمی‌دارید به پیروزی و نفس مطمئنه نزدیک‌تر خواهید شد. زیرا هر عمل نیکو و عادلانه روزی به گل می‌نشیند و میوه می‌دهد. شما با این انگیزه می‌توانید کارهای بزرگ و پرحاصلی را شروع نموده، با موفقیت ادامه دهید. طبیعت ما به ما حکم می‌کند که همه چیز در یک وحدت خلاصه شده است و ما را به کشف این وحدت سوق می‌دهد، بهترین راه رسیدن به آن، اعتقاد به وجود خالق یکتاست.

اصولاً هیچ کاری بدون خطر نیست. هرکس هر صبح که از منزل بیرون می‌رود برای او احتمال خطرات زیادی وجود دارد لکن همه افراد به خاطر موفقیت، خطر احتمالی را پذیرفته، در خارج از منزل به فعالیت اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند. حتی پذیرفتن خطر یا ریسک^۱ را در حیوانات هم می‌توان دید زیرا بدون آن زندگی برای آنها ممکن نیست چنانچه هر حیوانی بخواهد به خاطر خطر احتمالی از لانه خود خارج نشود از گرسنگی خواهد مرد.

یکی از ویژگی‌های بسیار مهم کارآفرین میزان خطرپذیری اوست و میزان موفقیت یک کارآفرین به شجاعت او در میدان کار و عمل مربوط می‌شود زیرا با تدبیر و روشن‌بینی می‌تواند با مشکلات

نامالییات مقابله نماید و با استفاده از علم و تکنولوژی نسبت به حل آنها تلاش کند. بدیهی است یک فرد جبون و ترسو هیچ‌گاه نمی‌تواند در بازار تجارت و تولید موفق باشد. یک کارآفرین همیشه برای هر خطر احتمالی راه‌های متعدد مقابله را پیش‌بینی می‌نماید تا با توجه به شرایط راه حل مناسب‌تر را اعمال کند. کارآفرینها حساب شده به استقبال خطرات می‌روند. از انجام کارهای بزرگ لذت می‌برند، لکن هیچ‌گاه قمار نمی‌کنند آنها دنبال کارهایی می‌روند که انجام شدنی باشد.

هر اندازه که وسعت کار بیشتر شود مسایل و فرصتها، میزان موفقیتها و خطرات هم بیشتر می‌شود. وقتی برای یک کارآفرین ابعاد هر کار مشخص شود برای دست‌یابی به موفقیت با عزمی راسخ و با توکل به خداوند تصمیم می‌گیرد. در عین حال همیشه آمادگی پذیرش شکست را هم خواهد داشت و برای خارج شدن از بحران احتمالی راه‌هایی را پیش‌بینی خواهد نمود. به هر حال قبول مسؤلیت شخصی در قبال عواقب تصمیم خود اعم از اینکه نتیجه آن مطلوب یا نامطلوب باشد از ضروریات می‌باشد. یک کارآفرین هیچ‌گاه در زندگی خود رویدادها را به بخت و اقبال یا نیروهای خارج از کنترل و خرافات وانمی‌گذارد. برای مقابله با خطرات احتیاج به نوآوری و ابتکار می‌باشد، قدرت ابتکار یک گروه کارآفرین در تبدیل یک ایده به عمل و مقابله با مشکلات نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای را دارد. در مقابله با خطرات، اعتماد به نفس، خود باوری و اطلاع از قابلیت‌های خود و تک‌تک کارکنان از عوامل بسیار مهمی است که می‌تواند بر نتیجه کار مؤثر باشد. اغلب قریب به اتفاق بازرگانان و تجار معتبری که بین دو یا چند کشور به خرید و فروش می‌پردازند از روحیه خطرپذیری بسیار بالایی برخوردار بوده‌اند. به هر حال تواناییها و ارزش خود را دست کم نگیرید. همواره احتمال زیادی دارد تا بتوانید به نتایجی که بیش از انتظار شماست دست یابید. میزان خطرپذیری بخش مهمی از رشد شخصیت شما می‌باشد که در موفقیت کسب و کار شما نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید. همین‌که به مورد نادرستی در کار خود پی بردید در اسرع وقت نسبت به اصلاح آن اقدام کنید تا حل مسأله دشوارتر نگردد. هیچ‌گاه بیش از توان خود قبول خطر نکنید. یک کارآفرین هیچ‌گاه نسبت به کاری که ضرورت ندارد خطرپذیری نمی‌کند. با احساسات کنترل نشده با مسایل برخورد نکنید. سعی کنید همیشه بر عواطف و احساسات خود مسلط باشید. همواره برای موفقیت بیشتر به استعدادها، تواناییها و تجربیات گذشته خود و همکاران توجه خاصی داشته باشید.

شما در قبال همه چیز زندگی خود و همکاران، بالاخص موفقیت و شکست واحد کاری خود مسؤلیت، اگر آمادگی لازم و حساب شده برای مقابله با خطرات داشته باشید موفقیت در رسیدن به اهداف برای شما آسانتر خواهد شد.

با پی بردن به قدرت خود و اینکه انسان جانشین خداوند در زمین است هرگاه آن نیرویی را که از حقیقت وجود خداوند سرچشمه گرفته است در نفس خود احساس کردیم از بی‌قراری و تزلزل نجات خواهیم یافت و به چیزهای سطحی و زودگذر توجهی نخواهیم کرد. وقتی درون خود را خالی از غیر او کردیم و وقتی روح ما غذای حقیقی خود را چشید دیگر نمی‌تواند به چیزهای کوچک قناعت کند. کسی که در هر نماز تماس خود را با قدرت لایزال الهی احساس می‌کند و ایمان به اینکه هرگز از آن نیروی عظیم جدا نخواهد شد، اعتماد و سلامت نفس و توکل و صف‌ناپذیری خود به خود در او تلقین خواهد شد. هر روز که از خواب بیدار می‌شود به انتظار کار و تلاش و امید به زندگی شرافتمندانه و خداپسندانه از بستر بلند می‌شود.

انسانی که معتقد است این عالم دارای نظم و قانونمندیهای دقیق الهی است هیچگاه تزلزل را به خود راه نمی‌دهد؛ زیرا می‌داند که با سوزاندن تمام کتب علمی نظیر ریاضی و فیزیک، باز قوانین و سنن الهی بر عالم حاکم خواهد بود. آنها را ساخت بشر نمی‌داند بلکه همه قوانین حاکم بر طبیعت را مخلوق خالق متعال می‌داند و معتقد است که قانون‌گذار واقعی خداوند است و مجالس قانون‌گذاری در حقیقت نسبت به وضع قراردادهای اجتماعی پرداخته و قادر به وضع قانون در عالم خلقت نیستند. بشر فقط می‌تواند کاشف قوانین باشد او می‌داند که اگر بشر برای خود قوانینی وضع نماید که با قوانین عالم خلقت سازگار نباشد عمر این گونه قوانین کوتاه و محکوم به بطلان است. چنین انسانی با کمالی که پیدا می‌کند از هیچ پیش‌آمدی هراس ندارد و در برابر هرگونه عارضه و آفتی موازنه فکری خود را حفظ خواهد کرد و خود را نخواهد باخت. در عصر حاضر امام خمینی نمونه بارز چنین انسانی است که نمونه بسیار ملموسی برای کارآفرینها می‌باشد.

چنین انسانی معتقد است آن نیروی آفریننده هرگز برگزیده مخلوقات خود را بازیچه پیش‌آمدهای بدون حساب و کتاب نخواهد کرد. بلکه در نهایت همه چیز در مسیر تکاملی که او مقرر کرده است تغییر خواهد کرد. اگر هم در این مسیر همه چیز خود را از دست بدهد و فدا شود خود را شهید راه او خواهد یافت. آرامش و طمأنینه، یکی از نتایج بزرگ ورزش اراده و خودسازی است که از توکل و اعتماد کامل به نیروی اداره‌کننده کائنات سرچشمه می‌گیرد. انسان وقتی باور داشته باشد که برای بردگی خلق نشده است بلکه برای این خلق شده است که اراده خود را که یک امانت الهی است بکار اندازد و حتی خداوند در کار تسخیر زمین، آسمانها و ستارگان دست او را باز گذاشته است.^۱ در برابر هر

۱- اَلَمْ تَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ . آیا می‌نگرید که خداوند آسمانها را مسخر و رام شما نموده

است. سوره لقمان، آیه ۲۰

حادثه و مشکلی در طبیعت نه مانند یک اسیر بلکه مانند یک خلیفه‌الله و جانشین و فرماندار الهی رفتار می‌کند و حتی به کرات و آسمانهای دور هم دست خواهد انداخت.

آیا ناسپاسی نیست که با چنین قدرت خدادادی، بعضی جوامع سر خفت و خواری را به آستانه ستمکاران، جهانسوزان، جهانخوران سرمایه‌دار بی‌عاطفه فرود آورده و اسیر بازارهای آنها شوند؟ آیا نمی‌توانند با تفکر کارآفرینانه و خداجویانه پایه‌های صنعت و اقتصادی سالم، قدرتمند و انسان‌دوستانه‌ای را برای خود و جامعه بشری برافراشته سازند؟

آشنایی با کارآفرین نمونه

کونوسوکی ماتسوشیتا نویسنده کتاب نه برای لقمه نان (آداب بازرگانی و اخلاق مدیریت) از کاتسوهیگو اکوشی ترجمه دکتر محمدعلی طوسی

کونوسوکی ماتسوشیتا^۱ در ۲۷ نوامبر ۱۸۹۴ در روستایی از استان واکایاما^۲ در منطقه‌ای کشاورزی، جنوب خاوری اوزاکای^۳ ژاپن زاده شد. او سومین پسر و جوان‌ترین هشت فرزند ماساکاسو^۴ کشاورز برنجکار، و همسر توکو^۵ بود. پدرش در انجمن محلی عضویت داشت و برای مدتی در دفاتر دولتی دهکده به استخدام درآمد. خانواده ماتسوشیتا زمینی را که از نسلهای پیش به آنها تعلق داشت می‌کاشتند و وضع کاملاً آسوده‌ای داشتند. دوران نخستین کودکی کونوسوکی در آسودگی و شادی سپری شد. اما در سال ۱۸۹۵ تا ۱۸۹۹ چین و ژاپن یک دوره رشد اقتصادی را در پی داشت و برای تشویق صنایع محلی بازار سهام و کالا در سراسر کشور برپا شد. بسیاری از مردم خود را درگیر این امر نمودند که پدر کونوسوکی یکی از آنان بود. اندکی پس از آن که وی در بازار محلی سهام سرمایه‌گذاری کرد، مصیبت فرا رسید. بازار تنزل کرد و ماساکاسو همه دارایی خود، از جمله خانه و مزرعه پدری را از دست داد.

۱_ Konosuke Matsushita

۲_ Wakayama

۳_ Osaka

۴_ Masakusu

۵_ Toku

در پی این مصیبت دو برادر بزرگتر کونوسوکی مردند و ماساکاسو که خود برای بیرون بردن خانواده از تنگدستی ناتوان بود، امیدهایش را به مونوسوکی که در چهارسالگی وارث خانواده ماتسوشیتا شده بود، بست. در نه سالگی کونوسوکی دبستان را رها کرد و برای گذران زندگی به تنهایی روانه اوزاکا شد. در آن جا در یک کارگاه که منقل زغالی می ساخت به شاگردی پرداخت. در سال ۱۹۰۵ به یک فروشگاه عمده فروشی دوچرخه رفت و توانست یک دوره شش ساله کارآموزی را به پایان برساند. در آن روزگار زندگی شاگردان چندان آسان نبود. در سراسر شش سال چندین بار کونوسوکی به اندیشه رها کردن کار خود افتاد اما، هرگاه که رؤیای پدرش را در بازگرداندن سرمایه خانواده به یاد می آورد، در پی گیری کار خود در فروشگاه دوچرخه پای می فشرد. در سال ۱۹۰۶، پیش از آن که رؤیای پدر به واقعیت پیوندد، ماساکاسو پس از یک بیماری درازمدت جان سپرد.

در سالهای پس از پیروزی ژاپن در جنگ روس-ژاپن در سال ۱۹۰۵، کونوسوکی گواه دگرگونی پویا و پرتحرکی بود که در شهر اوزاکا پدیدار شد. چراغهای برقی جانشین چراغهای گازی و نفتی خیابانها می گردید. خانه ها به اسلوب غربی یکی پس از دیگری در کنار خیابانها جای می گرفتند. ماتسوشیتای جوان همچنان که به این اوضاع می نگریست خود را شیفته جهان برق یافت. در آن زمان وی بر آن شد تا پیشه خود را در رشته تازه و پر امید صنعت برق برگزیند.

کار وی در زمینه برق در سال ۱۹۱۰ آغاز شد. در آن هنگام که وی پانزده ساله بود به عنوان یک کارآموز سیم کش به شرکت برق اوزاکا پیوست. او در کار تازه خود بیش از کار شاگردی کوشید و به سرعت راه پیشرفت را پیمود و در مدت کوتاه پنج سال به درجه سرپرستی و نظارت ارتقاء یافت. اما در حالی که شغل تازه مسؤولیت وی را افزایش داده بود، از میزان کار واقعیش که در شغلهای فنی اشتغال داشت، کاست. کونوسوکی که مرد جوان بیست و دو ساله ای سخت کوش و برجسته بود و از امکانات فراوان نیروی برق آگاهی ژرف داشت، به تندی از شیوه عادی و کسالت بار شغل جدید خود ناآرام و سرخورده شد. گرچه، بیماری بر او چیره شد و او را برای زمانی دراز به استراحت در خانه واداشت، اما آرزوی پرداختن به کار پرچالش تری که بتوان از درون خانه به آن دست زد، اندیشه داد و ستد برای خویشتن را در او پدید آورد.

مدتی بود که او روی طرح تازه یک سریپیج لامپ کار می کرد و هنگامی که پیشنهاد وی برای تولید انبوه اختراعش از سوی شرکت پذیرفته نشد، تصمیم گرفت از کار در شرکت کناره گیرد و برای خود به کار مشغول شود. پس از آن که شرکت برق اوزاکا را رها کرد همه پس انداز و همچنین پولی را که در پی رها کردن شغلهش به دست آورده بود، در برنامه ریزی برای ساخت سریپیج تازه به کار انداخت. با این همه او پول کافی نداشت و تولید سریپیج به آن آسانی که گمان می برد، پیش نرفت. سرانجام با بهره گرفتن از وامی که از یک دوست گرفت و با به کار انداختن پولی که از گرو گذاشتن لباسهای همسرش فراهم آمد و با سفارش نامنتظره ای که برای صفحه های عایق بادبزنهاي برقی در پایان سال به وی داده شده کار وی نخستین سود را پدید آورد. سال پس از آن، در هفتم مارس ۱۹۱۸، کارخانه ابزار برقی ماتسوشیتا به گونه رسمی کار خود را به مالکیت ماتسوشیتا و کارمندی همسرش مومنو^۱، و برادر زنش توشی اویویی^۲، که در آن زمان پانزده ساله بود (و زمانی پس از آن خود شرکت برقی سانئو^۳ را پایه گذاشت) آغاز کرد.

ماتسوشیتا تولید صفحه های عایق برای بادبزنهاي برقی را پی گرفت و کار روی یک دوشاخه تبدیل برای استفاده خانگی را آغاز کرد. در روزهای نخستین پیدایش برق در سقف اتاق اصلی خانه جای می گرفت. ماتسوشیتا به نیکی ضرورت طرح تازه خود را که امکان می داد در هر خانواده در آن واحد دو وسیله برقی به کار گرفته شود، پیش بینی می کرد. پس از آن هنگامی که طرح دیگرش، یک چراغ قوه دوچرخه مانند گوش ماهی، تکمیل شد و به تندی در کشور به فروش رسید، شرکت وی به راستی راه کامیابی را در پیش گرفت.

نیروی آفرینندگی ماتسوشیتا با قدرت تشخیص وی در کارآموزی همسنگ بود. در روزهای سخت و تیره پس از جنگ جهانی اول، که به عنوان نمونه، اعتبار بازرگانی اندک بود و بسیاری از شرکتها بر کاهش هزینه ها پای می فشردند، کونوسوکی ماتسوشیتا بر آن شد که کارخانه ای تازه برپا کند. این گام بی پروا موجب الهام دادن به کارمندان وی و برانگیختن آنان گردید و رشد غیرمنتظره تولید را در پی آورد. این نمونه ای بود از آن چیزی که ماتسوشیتا آن را مدیریت مثبت می خواند. اما او در تدبیرهای مدیریت

۱- Mumenno

۲- Toshio Iue

۳- Sanyo

خویش ابتکار و آفرینندگی ویژه داشت.

در سال ۱۹۲۵ او نام فرآورده ناسیونال^۱ را به ثبت رساند و دو سال پس از آن نخستین کالای او بدین نام، که یک چراغ چهار گوشه بود، به بازار راه یافت. ماتسوشیتا که از سودمندی کالای خود اطمینان داشت یک شیوه بازاریابی ابتکاری را به کار گرفت. او نخست ده هزار نمونه از این چراغ قوه‌ها را به عنوان نمونه‌های مجانی به فروشگاههای خرده‌فروشی فرستاد. این روش تازه نه تنها کامیاب شد، که شهرت ناسیونال را در مرغوبیت پایدار ساخت. امروزه فرآورده‌های ماتسوشیتا الکتریک زیر نامهای پاناسونیک^۲، تکنیکز^۳ و کواسار^۴ به فروش می‌رسند.

کونوسوکی ماتسوشیتا بعدها، چگونگی گزینش نام ناسیونال را چنین بازگو کرد: من به دنبال نام مناسبی برای چراغ قوه می‌گشتم. ده تا بیست نام را در اختیار داشتم اما هیچ کدام به نظرم درست نمی‌آمد. سپس روزی چشمم به واژه انترناسیونال در روزنامه افتاد این واژه نظرم را به خود جلب کرد. من از زبان انگلیسی آگاهی نداشتم و در آغاز پنداشتم که شاید این واژه با انقلاب روسیه یا چیزی دیگر بستگی دارد. به جستجوی معنی آن افتادم و آن را یافتم و در همان حال به واژه ناسیونال که معنی آن مربوط به یک ملت یا قوم است، پی‌بردم. این‌جا بود که دریافتم واژه مورد نظرم را یافته‌ام. معنی این واژه هم در عمل و هم در معنا مناسب است، زیرا به چیزی که به مردم مرتبط است اشاره دارد. در آن روزها شرکتهای بزرگ و جا افتاده فرآورده‌هایشان را جز به نام خود برای فروش عرضه نمی‌داشتند. ماتسوشیتا در این زمینه از زمان خود پیشی داشت. او بی‌برد و پذیرفت که با عرضه کردن چراغ قوه خود یک فرآورده مناسب و با صرفه به بازار داده است و اطمینان یافت که این فرآورده به صورت یک ضرورت خانگی در خواهد آمد. این باور او را واداشت تا چراغ قوه خود را به تولید انبوه بکشاند و بکوشد تا آن را حتی در زمان رکود اقتصادی، در شمار فرآورده‌های صنعتی مردم پسند درآورد. کوششهای وی بی‌پاداش نماند و تقاضا به سرعت افزایش یافت، به گونه‌ای که بهای آن چندین بار کاهش داده شد. به راستی زمان درازی نگذشت که چراغ قوه ناسیونال یک

۱- National

۲- Panasonic

۳- Tecknics

۴- Quasar

وسیله خانگی گردید. ماتسوشیتا می گوید که با خواندن سرگذشت هنری فورد^۱ آمریکایی پیشاهنگ در تولید خودرو به راز گسترده کردن دامنه تقاضا از راه تولید انبوه و کاهش بهای واحد پی برد. او می نویسد:

روش هنری فورد هم ابتکار بود و هم مهاجم، اما در عین حال به نیازهای جامعه پیوستگی داشت. البته او به دنبال سود در کار خود بود، اما نیک دریافت که سود واقعی برای او و دیگران، به این بستگی دارد که چگونه فرآورده اش می تواند به گونه ای کامل، بخشی از زندگی مردم عادی را تشکیل دهد و در همان حال به درآمد ملی کمک کند. به همین دلیل بود که توانست با کاستن بهای خودرو امکان آن را فراهم آورد تا مردم بیشتری آن را مالک شوند و اندک اندک کار خودروسازی را گسترش دهد... او موجبات توسعه سریع و مردمی کردن خودرو سواری را فراهم آورد.

ماتسوشیتا الکتریک گسترش یافت و لوازم سیم کشی، چراغهای دوچرخه، وسایل گرم کننده برقی، رادیو، پیل خشک و بسیاری از لوازم دیگر را دربر گرفت. هر یک از کالاهای تازه به تولید انبوه کشیده شد و در واقع درستی نظر ماتسوشیتا را مبنی بر این که احساس مسؤولیت نسبت به جامعه هسته داد و ستد سالم را پدید می آورد، مسلم ساخت. در پنجم مه ۱۹۳۲ او همه کارمندانش را گرد آورد و درباره فلسفه طرز کارش با آنان سخن گفت:

مأموریت یک صاحب صنعت آن است که بر فقر چیره شود، جامعه را در کلیت آن از تهیدستی و فقر رهایی بخشد و برای آن ثروت بیافریند. داد و ستد و تولید تنها به این معنی نیستند که فروشگاهها و کارخانه های یک مؤسسه غنی و پرمایه شود. همه جامعه باید پر ثروت و غنی گردد. و جامعه برای افزایش ثروت خود به پویایی و سرزندگی بازرگانی و صنعت نیاز دارد. تنها در پرتو چنین اوضاعی است که بازرگانها و کارخانه ها به راستی فزونی می یابند و نیک فرجام می شوند... مأموریت واقعی ماتسوشیتا الکتریک تولید تعداد پایان ناپذیری از فرآورده هاست تا از آن راه صلح، نیک فرجامی را در سراسر

^۱ Henry Ford

سرزمین برقرار سازد.

ماتسوشیتا تنها به اعلام مأموریت خود بسنده نکرد. او گفت که دو قرن و نیم آینده زمانی است که این مأموریت باید به اجرای کامل درآید و این دوست و پنجاه سال را نیز به ده دوره بیست و پنج ساله تقسیم کرد. او هر ده سال نخست هر دوره بیست و پنج ساله را روزگار ساختن و ده سال دوم را روزگار به کار بستن و پنج سال پایانی را زمان به کمال رساندن نامید. او شنوندگان خود را آگاهی داد که آن بیست و پنج سال نخست با دوران خدمت آنان همزمان شده است.

او روز پنجم ماه مه ۱۹۳۲ را روزی نامید که از آن پس به عنوان روز پرخاطره ماتسوشیتا الکتریک جشن گرفته خواهد شد زیرا این روز نشانی از آغاز مأموریت شرکت برای خدمت به جامعه به شمار می آید. بدین ترتیب، با آن که شرکت به واقع در هفتم مارس ۱۹۱۸ بنیان گذاری شده است، سالروز برپایی خود را در پنجم مه برگزار می کند. از پنجم مه ۱۹۸۴ به این سو شرکت سومین دوره پیشرفت به سوی تحقق و به کمال رساندن مأموریت گروهی خود را آغاز کرده است.

از سال ۱۹۳۲ به این سو، شرکت به کمال و بلوغ چشمگیر دست یافته است. کونسوکی ماتسوشیتا کوشیده است تا احساس رسالت را در میان کارمندانش نیرو بخشد و این نگرش را به صورت یک جزء پایدار و خلاق اصول کار شرکت درآورد. ماتسوشیتا به اعتقاد به این که برای چرخاندن امور روزانه به یک رهبری نیرومند نیاز است و به منظور فراهم آوردن پایه‌هایی برای هدایت کوششهای روزانه و برانگیختن هر یک از اعضای شرکت، در ژوئیه ۱۹۳۳ خواهان به وجود آمدن صفات برجسته زیر شد:

- ۱- روحیه خدمت در صنعت
- ۲- روحیه انصاف و مروت
- ۳- روحیه همنوایی و همبازی
- ۴- روحیه کوشیدن برای پیشرفت
- ۵- روحیه ادب و فروتنی
- ۶- روحیه همسازی با قوانین طبیعی
- ۷- روحیه سپاس و حق شناسی

(دو بند آخر در سال ۱۹۳۷ افزوده شد.)

این هفت امتیاز هم اکنون به گونه‌ای که در آن زمان بوده‌اند، مورد تأکید هستند و شعار بنیادی کار روزانه دهها هزار کارمند ماتسوشیتا الکتریک را تشکیل می‌دهند. اندیشه کونوسوکی ماتسوشیتا به‌عنوان یک مرد داد و ستد به شکل اصول و روشهای واقعی درآمد. در سال ۱۹۳۳ او شرکت را به سه بخش تقسیم کرد و به هر یک قدرت و اختیار تصمیم‌گیری مستقلی اعطا نمود. بخش نخست مسؤولیت رادیوها را برعهده گرفت. بخش دوم مسؤول چراغها و پیلها، و بخش سوم هم مسؤول لوازم سیم‌کشی، لاستیکهای مصنوعی، و لوازم گرم‌کننده برقی شد. رؤسای بخش هر یک مسؤولیت کارهای مربوط به خود را برعهده گرفتند، چیزی که ماتسوشیتا آن را مدیریت مستقل می‌نامید، و این تدبیر زمینه‌ای شد تا بر پایه آن سنت مدیریت در شرکت ماتسوشیتا الکتریک پرورش یافت و به نسلهای جوان تر مدیران منتقل شد.

جنگ جهانی دوم ژاپن را در آشفتگی و هرج و مرج فرو برد و شرکت ماتسوشیتا الکتریک را با دشوارترین مشکل از زمان بنیان‌گذاری روبرو ساخت. روز پس از تسلیم شدن ژاپن، کونوسوکی ماتسوشیتا ستاد اجرایی و مدیریت خود را گرد هم آورد و نقشه‌های خود را برای نوسازی شرکت برای آنان آشکار کرد. او گفت که تولید مبنایی برای احیای کشور فراهم می‌آورد و اکنون بر آنان است که خود را مشتاقانه به نو ساختن کشورشان متعهد سازند. او همه کارمندان را فراخواند تا خود را به آغازی نو متعهد گردانند و برای رویارویی با کار عظیمی که در پیش دارند همه منابع خود را برانگیزند و به کار گیرند.

ستاد مشترک نیروهای اشغالگر متفقین به اجرای سیاست پیاده کردن واحدهای بزرگ صنعتی، یعنی زای‌باتسو^۱، که از دوران پیش از جنگ بر اقتصاد ژاپن چیره بود، دست زد. همراه با دیگر شرکتهای بزرگ ژاپن، شرکت ماتسوشیتا الکتریک در آغاز در شمار هدفهای این سیاست قرار گرفت (اما چون در گروه زای‌باتسو نبود، از این سیاست معاف شد). همه مدیران شرکت که زیر نظر ماتسوشیتا بودند پاکسازی شدند، داراییهای شرکت به گونه‌ای موقت مسدود شد، و همه نوع دشواریها سر برآورد. اما با

^۱ - Zaubatsu

کوشش پیوسته همه کارمندان، شرکت توانست بر پس رفتنهای خود چیره شود و خود را از نو بر پا سازد. در طول بیست سال بعد شرکت به صورت یک گروه بازرگانی درآمد که یکی از بیشترین ارقام فروش را در ژاپن به دست آورد و در مجله فورچون^۱ شماره اوت ۱۹۸۳ در مرتبه سی و نهم در میان بزرگترین شرکتهای صنعتی جهان قرار گرفت. ماتسوشیتا درحالی که می‌کوشید تا داد و ستد خود را از پی‌آمدهای ویرانی جنگ برهاند، در اطراف خود به هرج و مرجی که جامعه ژاپنی را فراگرفته بود، می‌نگریست. او به این اندیشه فرو رفت که بشریت چگونه می‌تواند خود را از رنج و درد رها سازد و به شادمانی دست یابد و جامعه‌ای پرآرامش و همنوا برپا دارد. در سوم نوامبر ۱۹۴۶ مؤسسه بی.اچ.پی^۲ را بنیان گذاشت که به مفهوم آرامش و نیکبختی از راه رونق است. هدف این مؤسسه دست یافتن به جامعه‌ای است که از جهت معنوی و مادی غنی و پربار باشد. در سال ۱۹۸۰ دانشکده حکومت و مدیریت ماتسوشیتا گشایش یافت تا در باره اندیشه‌ها و سیاستهایی به پژوهش بپردازد که در آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست و دیگر زمینه‌ها به پیشرفت و توسعه در ژاپن و جهان یاری می‌رسانند. هدفهای اساسی این دانشکده آماده‌سازی و پروراندن رهبران احتمالی آینده است که گشودن بسیاری از دشواریهایی را که ژاپن با آنها روبه‌رو است، برعهده خواهند داشت. سه سال پس از آن، در مه ۱۹۸۳، ماتسوشیتا طرح یگانه و تازه‌ای را به نام گفت‌و شنود کیوتو^۳ آغاز کرد. این طرح بر این منظور استوار است که الگوهای آرمانی جامعه در زندگی در جهان ژاپن را برای قرن بیست و یک و روزگار پس از آن بررسی کند و پیشنهادهایی برای دست‌یافتن به این اهداف فراهم آورد. این گروه بررسی در نظر دارد نتایج پژوهشهای خود را با مردم ژاپن و همه کشورهای جهان در میان گذارد و در تلاش برای یاری دادن به جامعه انسانی برای روشن کردن راه خود در دوره کنونی انتقال، پیشنهادهای عملی به رهبران جهان تسلیم دارد.

۱- Fortune

۲- P.H.P Institute

۳- Kyoto